



10.30495/QSF.2023.1978075.2969

Research Article

The Relationship between the Life Style of Prosperous and Suffering from the Divine Tradition of Importation from the Point of View of the Qur'an and Hadith

Yadollah Maleki^{1*}, Shir Mohammad Ali Pour Abdoli², Seyyed Mohammad Khatamin Nezhad³

Abstract

Lifestyle as a form of individual identity and a set of individual and social behavioral patterns from the distinctive semantic system that represents the individual worldview and the associated group of lifestyles. The lifestyle of the transcendental life, the beneficiaries of many worldly blessings, shows that they have stepped in the valley of sin and door, while having various worldly blessings and they use godly blessings for the sake of pride, plurality, self-esteem, and humiliation. Divine States are the permanent and firm method of God in the recounting of religion and the efficient tool of guidance and education to achieve good or bad consequences in the world and in the hereafter, which can accurately understand these traditions can be a decisive role in human end. The purpose of the upcoming research is to explore the role of the lifestyle in their worldly end, using a qualitative method of analytical-descriptive type, with the help of the Qur'an and traditions, and with a look at the divine tradition. The most prominent result of this study is that the lifestyle and their way of dealing with the divine tradition play a decisive role in their unfortunate endowment in the world, and their punishment is not limited and unique to the Day of Resurrection.

Keywords: Lifestyle, Painless prosperous, Worldly end, Divine traditions

How to Cite: Maleki Y, Pour Abdoli SMA, Khatamin Nezhad SM., The Relationship between the Life Style of Prosperous and Suffering from the Divine Tradition of Importation from the Point of View of the Qur'an and Hadith, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(55):459-480.

1. Assistant Professor of Theology Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lorestan University, Lorestan, Iran

3. PhD student in Theology, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

Correspondence Author: Yadollah Maleki

Email: yadollahmaleki36@gmail.com

Receive Date: 21.01.2023

Accept Date: 11.06.2023



رابطه سبک زندگی مترفین با ابتلا به سنت الهی استدراج از دیدگاه قرآن و حدیث

یداله ملکی^{۱*}، سیدمحمد علی پور عبدلی^۲، سیدمحمد خاتمی نژاد^۳

چکیده

سبک زندگی به عنوان شکل دهنده هویت افراد و مجموعه ای درهم تنیده از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که معرف جهان بینی فرد و گروه وابسته به آن شیوه زندگی است. سبک زندگی مترفین یعنی بهره مندان از نعمت‌های فراوان دنیوی، نشان می‌دهد که آنان در عین برخورداری از نعمت‌های گوناگون دنیوی، در وادی گناه و پرده دری گام برداشته و نعمت‌های خدادادی را در راه تفاخر، تکاثر، خودبزرگ بینی و تحقیر فرودستان به کار می‌گیرند. سنت‌های الهی، روش همیشگی و استوار خدا در بازگویی بایدها و نبایدهای دین و ابزاری کارآمد در هدایت و تربیت برای دست یابی آدمی به فرجام نیک یا بد در دنیا و آخرت است که شناخت دقیق این سنت‌ها می‌تواند نقشی تعیین کننده در فرجام انسان داشته باشد. هدف پژوهش پیش رو، آن است که با استفاده از روش کیفی از نوع تحلیلی - توصیفی و به کمک آیات قرآن و روایات، ارتباط سبک زندگی مترفین را با ابتلای آنان به سنت الهی استدراج، بررسی نماید. برجسته ترین رهیافت این پژوهش، آن است که سبک زندگی مترفین و شیوه رویارویی آنان با سنن الهی، نقشی تعیین کننده در فرجام ناگوار آنان در همین دنیا دارد و کیفر ایشان، محدود و منحصر به روز رستاخیز نیست.

۱. استادیار گروه الهیات، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

۳. دانشجوی دکتری تخصصی الهیات، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مترفین، فرجام دنیوی، سنت های الهی، سنت استدراج

مقدمه و بیان مسئله

سنت های الهی، ابزاری کارآمد در هدایت و تربیت آدمی و دست یابی وی به فرجام نیک یا بد در دو سراسر است. گرچه واکنش مردم به اهداف، فلسفه، ابزار و کارکردهای این سنت ها یکسان نبوده و همواره دو جبهه متفاوت در این باره، شکل گرفته است. حق پرستان که به مبدأ و معاد باور دارند و زندگی دنیا را بازیچه و آخرت را سرای ماندگار می دانند، پارسایی پیشه می کنند و آخرت خویش را آباد می سازند، زیرا از قرآن کریم آموخته اند که: مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است. (انعام: ۳۲) در حالی که هوی پرستان که رستاخیز را باور ندارند و به دنیای زودگذر، دل خوش کرده اند، می کوشند دنیای خود را آباد کرده و در برابر انواع و اقسام هدایت الهی بایستند و روزگار به فراموشی و گناه بگذرانند: إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ: کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته اند و کسانی که از آیات ما غافلند. (یونس: ۷) از آیات قرآن کریم برمی آید که گروه نخست - رهیافتگان - رستگار می شوند، ولی گروه دوم یعنی «گمراهان» به فرجامی خوارکننده در دنیا و آخرت، دچار می شوند.

بر اساس آیات و روایات، مترفین در شمار گروه دوم (گمراهان) هستند که سبک زندگی خاصی را دنبال می کنند و پیامد این سبک زندگی، دچار شدن به سنت استدراج است. دو پرسش اصلی پژوهش پیش رو با توجه به عنوان مقاله عبارتند از:

۱) نقش سبک زندگی مترفین در شکل گیری فرجام دنیوی آنان چیست؟

۲) چه ارتباطی میان سبک زندگی مترفین با ابتلای آنان به سنت الهی استدراج، وجود دارد؟

پرداختن به این موضوع، از آن جا ضرورت می یابد که شناخت سنت استدراج و شیوه رویارویی مترفین با آن، می تواند نقشی سازنده در بازنگری انسان ها به پدیده «سبک زندگی» داشته باشد. افزون بر این، نتایج پژوهش پیش رو می تواند پاسخی برای منکرین رستاخیز باشد که همواره در میان همفکران خود، دنیا را نقطه آغاز و انجام همه امور و «مرگ» را به منزله «نیستی» و پایان همه چیز می دانند. زیرا هدف پژوهش پیش رو، آن است که پس از بررسی ارتباط سبک زندگی مترفین با ابتلا به سنت الهی استدراج، نقش سبک زندگی مترفین را در شکل گیری فرجام دنیوی آنان بررسی نماید تا همگان بدانند نتیجه ایستادن در برابر آموزه های وحیانی، منحصر و محدود به کیفیهای اخروی

نیست و در همین دنیا نیز بهای لغزش های شان را خواهند پرداخت. زیرا سنت استدراج، یکی از ابزارهای الهی در تنبیه و مجازات مترفین است.

به منظور رسیدن به هدف پژوهش، نخست آرای برخی اندیشمندان، واژه شناسان، مفسرین و دانشوران فریقین، درباره چهار واژه پرکاربرد پژوهش یعنی «سبک زندگی، مترفین، سنت های الهی و سنت استدراج» بررسی شده و پس از گونه شناسی سنن الهی به ویژه اقسام سنت های دنیوی، به موضوع اصلی پژوهش یعنی واکاوی نحوه ارتباط سبک زندگی مترفین با ابتلا به سنت استدراج پرداخته شده است. بدین منظور، ابتدا نشانه های چهارگانه سبک زندگی مترفین به کمک آیات و روایات و آرای مفسرین، بیان شده و سپس ارتباط سبک زندگی مترفین با دچار شدن به سنت استدراج و سقوط تدریجی شان، به کمک چهار عامل مهم، تبیین شده است.

پیشینه تحقیق

«سبک زندگی مترفین و سنت الهی استدراج» در شمار مباحثی هستند که اندیشمندان دینی، ابعاد و زوایای آن ها را جداگانه بررسی کرده اند، اما کمتر به پیوند میان آن دو پرداخته اند که پژوهش پیش رو، کوشیده است تا خلاء موجود در این زمینه را در حد توان، از میان بردارد. با این وجود، شماری از نزدیک ترین پژوهش های مرتبط با موضوع بحث، عبارتند از:

۱. نجفی، محمدجواد و حسینی، اعظم (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر شناخت سنت های الهی بر سبک زندگی اسلامی» آشنایی با سنت های خداوند مانند امداد، هدایت و رحمت را در پیشبرد اهداف انسان در سبک زندگی اسلامی و رسیدن به کمال شایسته انسانی، مؤثر دانسته اند. افزون بر آن، برخی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی دینی مانند خانواده، عبادت و اخلاق که در ارتقای جوامع به سوی جامعه آرمانی نقش دارد تبیین شده است.

نزدیک ترین پژوهش به تحقیق حاضر، همین پایان نامه است که تأثیر سنت های الهی را بر سبک زندگی، بررسی کرده است، اما همان گونه که از عنوان پایان نامه، مشخص است، از یک سو، همه سنت های الهی مورد مذاقه قرار گرفته و سنتی خاص - استدراج - بررسی نشده و از سوی دیگر به سبک زندگی به صورت کلی پرداخت شده و بر روی سبک زندگی مترفین، متمرکز نبوده است.

۲. ایروانی، جواد و جلائیان اکبرنیا، علی، (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و جامعه غربی» پس از مطرح کردن دو پرسش بنیادین درباره چگونگی سبک زندگی و اهداف آن مبتنی بر آموزه های قرآنی و تفاوت های سبک زندگی قرآنی با سبک زندگی غربی، به این نتیجه رسیده است که اهداف، مبانی جهان بینی و انسان شناختی سبک زندگی در جامعه قرآنی، تفاوت هایی بنیادین با سبک زندگی غربی دارد که به دو شیوه متمایز از یکدیگر در فعالیت های تولیدی،

تجاری و حوزه مصرف منجر می شود. در این مقاله نیز تمرکز نگارنده بر روی سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و مقایسه آن با جامعه غربی است. بنابراین سخنی از نقش سنت استدراج در فرجام دنیوی مترفین به میان نیامده است.

شماری دیگر از مقالات بررسی شده که پیوندی نزدیک با موضوع پژوهش دارند، عبارتند از: سبک زندگی دینی سبک زندگی اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف در سبک زندگی و ... همه مقالات یادشده به طور تصریحی و یا تلویحی به بررسی سبک زندگی از دیدگاه و زاویه ای خاص پرداخته‌اند. ارتباط کلی بازشناسی سنن الهی بر سبک زندگی اسلامی، کاربرست اصلاح الگوی مصرف در سبک زندگی، شناخت سبک زندگی دینی یا اقتصادی و ... از جمله زوایایی است که دستمایه پژوهشگران در بررسی جستارهای دینی مرتبط بوده است. در پژوهش‌های فوق به بحث سبک زندگی به طور اعم و از جنبه‌های مختلف پرداخته شده است. ولی هیچیک از پژوهش‌های یاد شده به طور اخص، به بحث نقش سبک زندگی در فرجام دنیوی مترفین با تمرکز بر روی سنت استدراج نپرداخته است. بنابراین به نظر می رسد تمرکز بر روی سبک زندگی مترفین به عنوان یکی از مهم ترین گروه های نکوهش شده در قرآن و روایات و ارتباط فرجام این گروه با چارچوب های سنت استدراج از نوآوری های پژوهش حاضر است.

تعریف مفاهیم

مفاهیم بنیادین و واژگان پرکاربرد مقاله عبارتند از: سبک زندگی، فرجام دنیوی، سنت الهی و سنت استدراج. معنا و مفهوم فرجام دنیوی، روشن و بی نیاز از تبیین و مراد، آن است که مترفین، چگونه با پدیده مرگ روبرو می شوند و از دنیا می روند. از این رو، بررسی سه واژه دیگر به کمک آرای اندیشمندان و واژه شناسان، ضروری است. البته در پایان این گفتار، سیمای مترفین در قرآن کریم نیز بررسی خواهد شد.

سبک زندگی

جامعه شناسان، سبک زندگی^۱ را روش یا الگوی زندگی روزمره می دانند که دربرگیرنده همه عادات و روش‌های پسندیده فردی است. به باور آنان، سبک زندگی شامل الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، شیوه مصرف و چگونگی رسیدن به اهداف است که بازگو کننده نگرش ها، ارزش ها و یا به تعبیری جهان بینی فرد و گروه وابسته به آن نوع از سبک زندگی است. (دو فصلنامه پژوهشنامه سبک

1 .Life Style

زندگی، شماره ۱۲، ۹۹-۱۱۶) واژه سبک زندگی نخستین بار توسط آلفرد آدلر^۱ در سال ۱۹۲۲ - یکصد سال پیش - به کار رفته است.

وی بر این باور بود که سبک زندگی با بینش و باورهای فردی آدمی، بر پایه تعاملات اجتماعی، شکل می‌گیرد و سه عامل جسمی، روانی و اجتماعی، سازنده بنیان‌های سبک زندگی به شمار می‌روند. (همان) به هر روی، این واژه همان‌گونه که از نامش پیداست، نشان‌دهنده گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری یک فرد یا گروه در زندگی است. سبک زندگی به باور برخی پژوهشگران معاصر در عرصه ارتباطات، همان‌مُد (شکل ظاهری و شیوه) یا حالت زندگی فرد است. با نگاهی به این تعاریف، درمی‌یابیم که با واژه‌های فراگیر روبرو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، سرگرمی و تفریح، کار و شغل، هنر و غیره، همگی را شامل می‌شود. (فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره ۴۱، ۱۲۰-۱۳۴) با این حال، نباید از یاد برد که سبک زندگی، طی نیم قرن اخیر جایگاهی ویژه در همه جوامع بشری پیدا کرده و شیوه زندگی مردم به واسطه پیشرفت ابزارهای نوین و وابستگی شدید آنان به فضای مجازی، دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده است. اما آن چه در این پژوهش حائز اهمیت است، پرداختن به شیوه زندگی مترفین بر اساس سنت استدرج است. یعنی بررسی تصمیم‌ها، واکنش‌ها و رفتارهای مترفین در برابر بایدها و نبایدهای الهی و قوانینی که خداوند برای رستگاری توده‌ها بنا نهاده است.

سنت‌های الهی

واژه «سُنَّت» با هم خانواده‌ها و شیوه‌های گوناگون نگارش آن، ۱۵ بار در قرآن کریم آمده که از این میان، بهره‌سور مدنی هشت بار و سوره‌های مکی، هفت بار است. همراهی این واژه با «الله» در قرآن کریم، بیشتر نشان‌دهنده تحویل‌ناپذیری، تبدیل‌ناپذیری و همیشگی بودن سنت‌های الهی است. مانند لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. (احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳ و فاطر: ۴۳)؛ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا. (فاطر: ۴۳)؛ سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ. (غافر: ۸۵) برخی واژه‌شناسان با نگاه به آیات ۲۳ سوره فتح و ۴۳ سوره فاطر، سنت الهی را روش حکمت خدا و شیوه بندگی او می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۹) برخی، سنت الهی را بایدها و نبایدهای خداوند و شیوه‌ای استوار در بازگویی دین برای مردم دانسته (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۲۵) و شماری نیز بر این باورند که سنت الهی، شیوه‌ای است که خدا در نابودی امت‌های پیشین به کار گرفته. همانان که در برابر پیامبران ایستادند و دعوت آنان را به سوی رستگاری دروغ شمردند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۶۸) طبرسی در سخن از آیه ۶۲ سوره احزاب (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) بر این باور است که چون سنت،

1. Adler, Alfred

روشی پیوسته و همیشگی است، پس به کاری که یک یا دوبار انجام گیرد، سنت خدا و پیغمبر α گفته نمی شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۸۱) در میان فرهنگ های پرآوازه پارسی، فرهنگ عمید پس از برابر دانستن سنت با واژگانی مانند روش، سرشت، طبیعت و شریعت، «سنت الهی» را بایدهای و نبایدهای خدا می داند. (عمید، ۱۳۷۵: ۷۵۵) سنت الهی در تفسیر انوار درخشان، روش و دستوری است که زندگی اجتماعات اسلامی را پایه گذاری می نماید و محیطی امن و جوی سالم برای مسلمانان پدید می آورد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۳: ۱۶۰) از این رو، برآیند آنچه درباره مفهوم سنت الهی در نگاه بیشتر واژه شناسان و اندیشمندان به چشم می خورد، عبارت است از: روش حکمت خدا، شیوه بندگی او، روشی استوار در بازگویی بایدها و نبایدهای دین برای مردم و قوانین پایدار و همیشگی خدا در اداره امور عالم که درباره امت های گذشته، حال و آینده به کار می رود.

سنت استدراج

یکی از سخت ترین سنن الهی درباره برخورداران از نعمت های گوناگون که غرق در گناه و سرکشی نیز هستند، همین سنت است. بر پایه این سنت الهی، خدا بر نعمت های مترفین، می افزاید تا آن چنان در لذات حرام پیش روند که ساده اندیشان، گمان کنند خدا از کیفر آنان چشم پوشیده است، در حالی که بر اساس آیات قرآن کریم (اعراف/ ۱۸۲ و ۱۸۳؛ قلم/ ۴۴ و ۴۵) خدا از جایی که گمان نمی کنند، گریبان شان را خواهد گرفت و فرجامی تلخ را در همین دنیا تجربه خواهند کرد. در تعریف این واژه آمده است که «استدراج الهی» یعنی هم زمان با گناهان بنده، خدا به او نعمت می دهد، ولی او یاد خدا و آموزش خواهی را فراموش می کند. سپس خدا آرام آرام، او را به سرپنجه کیفر خود گرفتار می کند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۹۹) در برخی تفاسیر متقدم درباره این سنت الهی به کمک گزاره قرآنی «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» در آیه ۱۸۲ سوره اعراف، آمده است که خدا آنان که آیاتش را دروغ می شمردند، آن چنان از نعمت های شیرین زندگی، بهره مند می کند که گمان کنند این برخورداری برای آنان نیکوست و نزد خدا جایگاه ویژه ای دارند. نه تنها آنان را بهره مند می کند، بلکه در خودکامگی و سرکشی شان نیز یاری می شوند، سپس ناگهان از جایی که گمان نمی کنند، با پدیده مرگ روبرو می شوند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۲۸)

سیمای مترفین در قرآن کریم

این واژه و مشتقات آن، هشت بار در قرآن کریم به کار رفته که بیشتر کاربردهای آن به شکل اسم مفعول (مُتَرْفٍ) بوده و بنای قرآن در همه جا بر نکوهش این گروه است. از آیات قرآن کریم برمی آید که این واژه درباره کسانی به کار رفته که بر اثر برخورداری از ثروت های سرشار، در لذات و خوشگذرانی ها فرو رفته اند و به جای شکرگذاری و استفاده درست از نعمت ها، راه سرکشی و ناسپاسی

را در پیش گرفته اند. مترفین، همواره در پیشانی جبهه مخالفین پیامبران قرار داشته و به سبب امکانات ویژه ای که در اختیار دارند، دعوت پیامبران را نمی پذیرفتند: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ» (سبأ/۳۴ و ۳۵) قرآن کریم، دو ویژگی تکاثر و زیاده طلبی دنیوی را برای مترفین برمی شمرد. از این رو، آنان تنها به کسب درآمد بیشتر و انباشت بی رویه ثروت می اندیشند و در این راه، حدود و ثغور الهی و مرزبندی های انسانی را نادیده می گیرند. بنا بر گزارش واژه شناسان، مترفین، اسم مفعول جمع از ماده «ت ر ف» و به معنای فراخی و وسعت در نعمت است. در تعریف ریشه این واژه، برخورداری از نعمت، همراه با فراموشی یاد خدا و سرکشی آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۳۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج: ۹، ۱۷) بنابراین، مترف کسی است که راحتی و آسایش در زندگی، او را فریفته و بی نیازی مادی و رفاه فراوان، را دلیل بر تکریم خود از سوی خدا می داند و به سبب ضعف ایمان، سرکشی پروردگار را در پیش می گیرد.

به همین دلیل، برخی واژه شناسان در توصیف مترفین به آیه ششم سوره علق: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۲۷۳) و شماری دیگر نیز به «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ» (فجر/۱۵) استناد کرده اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۶) به همین دلیل، می توان «اتراف» را نوعی بیماری مال پرستی و نعمت زدگی همراه با غفلت از یاد خدا دانست. در تعریف دیگری برای این گروه، مترف را کسی معرفی کرده اند که به حال خود رها شده است. آنچه بخواهد انجام می دهد و کسی از او جلوگیری نمی کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۶، ۶۲۵) نیز در تعریف این واژه و مصدر باب افعال آن آمده است که «اتراف» به معنای پافشاری در ظلم و نعمت است و مترف که اسم مفعول آن از همین باب است به معنای افسارگسیخته ای است که هر چه دلخواه اوست، انجام می دهد و مانع و رادعی در راه عیش و خوشگذرانی خود نمی بیند. (محقق، ۱۳۹۱، ج: ۴، ۸۱) بنابراین از جمله معانی دیگر آن می توان به نازپرورده، ستمکار و خوشگذران اشاره کرد. در روزگار حاضر، بهترین معادل این واژه که در جوامع مختلف نیز کاربرد ویژه دارد، «مرفهین بی درد» است که سبک زندگی سراسر رفاه و تجمل خود را در فضای حقیقی و مجازی، به رخ دیگران می کشند. در پایان، باید به این نکته اشاره کرد که در منابع اسلامی، بی نیازی به دو نوع «کفافی و اترافی»، تقسیم شده است. بی نیازی کفافی یعنی تحصیل ثروت از راه مشروع به منظور تأمین معیشت خانواده و بخشش زیادی مال به نیازمندان و پایبندی به انواع انفاق های واجب و مستحب. غنای اترافی که نتیجه اقتصاد آزاد است، انسان را به جمع آوردن مال و شمردن آن مشغول می کند (الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ - همزه/۲) و گمان می کند که این مال، همه چیز او خواهد بود. نتیجه این نگرش هم طغیان و بهره کشی از مردم و

تجازو به حقوق فرودستان است. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۸۴) ناگفته پیداست که بی نیازی اترافی با توجه به تعریفی که از آن ارائه شد، در نگاه اسلام، ناپسند و نکوهیده است.

گونه شناسی سنت های الهی

هدف آفرینش آدمی، آن است که به واسطه بندگی خالص در درگاه الهی و سربلندی در آزمون های زندگی، خود را به جایگاه شایسته ای برساند که خواست خداست. این جایگاه برتر، همان مقام جانشینی خدا بر روی زمین است که برخی از متکلمین و فلاسفه از آن به انسان کامل^۱ یاد می کنند. یکی از ابزارهایی که آدمی بتواند به این جایگاه ارزشمند دست یابد، سنت های الهی است. با وجود آن که بیشتر اندیشمندان علوم اسلامی، سنت های الهی را به دو گونه «مطلق و مقید» تقسیم بندی کرده اند، ولی آرای اندیشمندانی که پیرامون گونه شناسی سنن الهی سخن گفته اند، یکسان نیست و هریک از آن زاویه ای ویژه، به این پدیده نگریسته اند. نگارنده پس از کاوش در آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم^۲، طرحی نو در انداخته و سنت های الهی را در سه شاخه زیر جای داده است: سنت های رایج در تاریخ، سنت های دنیوی و اخروی و سنت های ویژه رهیافتگان و گمراهان.^۳ از آنجا که سنت استدراج در شمار سنن دنیوی است، بازشناسی و توضیحی کوتاه و گذرا درباره سنت های دنیوی، ضروری به نظر می رسد.

سنت های دنیوی

با توجه به این که فرجام آدمی در دنیا و آخرت به سبک زندگی و واکنش های وی در برابر آموزه های وحیانی پیامبران وابسته است، خدای متعال، سنت های دنیوی را بنا نهاده و آدمی در مسیر دست یابی به رستگاری، ناگزیر از رویارویی با این سنت ها و گزینش یکی از دو راه حق و باطل است. با نگاهی به آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم^۴ درمی یابیم که سنن دنیوی به دو گونه «پایدار و وابسته» تقسیم می شوند. همه مردم - رهیافته و گمراه - در معرض سنت های دنیوی «پایدار» قرار دارند و پایداری این سنت ها بدان معناست که به نیکی یا بدی و فرمانبرداری یا گردنکشی آدمی، وابسته نیست. چنان که سه سنت الهی «آفرینش، هدایت و آزمایش» هم ویژه رهیافتگان است و هم گمراهان. در سوی دیگر، فراهم شدن زمینه سنن دنیوی وابسته، در اختیار خود آدمی است.

۱. استاد مطهری در این باره می نویسد: «تعبیر انسان کامل در ادبیات اسلامی تا قرن هفتم وجود نداشته و امروز در اروپا هم این تعبیر، خیلی زیاد است. ولی اولین بار در دنیای اسلام، این تعبیر پیدا شده است در مورد انسان و اول کسی هم که این تعبیر را کرده است و مسأله انسان کامل را به نام انسان کامل، مطرح کرده است عارف معروف، محی الدین عربی اندلسی طائی است.» رک به: مطهری، مرتضی، انسان کامل، ص ۹.

۲. برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان «تجلی سنت الهی در نهضت حسینی»

یعنی پس از آن که پیامبران، مردم را به راه راست فراخواندند و زمینه آزمایش‌های گوناگون هم برای آنان فراهم شد، باید به کمک دو ابزار «عقل و اختیار» راه حق یا باطل را برگزینند. از این رو، واکنش بندگان در برابر آموزه‌های کتب آسمانی و سفارش‌های خیرخواهانه پیامبران است که به سنت‌های دنیوی «وابسته» می‌انجامد. یعنی این سنت‌ها در گرو باورها، رفتارها و واکنش‌های آدمی هستند. بنابراین، سنن یادشده، دو ویژگی برجسته دارند: افزون بر این جهانی بودن، به گزینش بندگان نیز بستگی دارند. چهار سنت دنیوی وابسته که مفسرین و اندیشمندان در آثار خود به ابعاد گوناگون آن‌ها پرداخته‌اند^۱ عبارتند از: یاری (امداد)، فرصت دادن (امهال)، فراوانی نعمت همزمان با فرونی گناه (استدراج) و ریشه کن کردن تبهکاران (استیصال) از آن جا که هدف این پژوهش، واکاوی ارتباط میان سبک زندگی مترفین و سنت الهی استدراج است، از بررسی سایر سنت‌های دنیوی وابسته چشم می‌پوشیم.

ارکان سبک زندگی مترفین، منطبق بر سنت استدراج

یکی از سنت‌های الهی، «استدراج» نام دارد که در برخی از آیات قرآن کریم، بدان اشاره شده است:

- (۱) وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَ أَمْلِيَ لَهُمْ إِنَّا كَيْدِي مَتِينٌ: و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج، از جایی که نمی‌دانند گریبان‌شان را خواهیم گرفت * و به آنان مهلت می‌دهم که تدبیر من استوار است. (اعراف: ۱۸۲ و ۱۸۳)
- (۲) فَذُرِّيٌّ وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَ أَمْلِيَ لَهُمْ إِنَّا كَيْدِي مَتِينٌ: پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می‌کند واگذار. به تدریج آنان را به گونه‌ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت * و مهلتشان می‌دهم، زیرا تدبیر من [سخت] استوار است. (قلم: ۴۴ و ۴۵)

بر پایه این سنت الهی، خدا افزون بر فرصت دادن به تکذیب‌کنندگان آیات حق، به استناد گزاره قرآنی «أَمْلِيَ لَهُمْ»، بر نعمت‌های آنان نیز می‌افزاید تا آن چنان در گناه و سرکشی پیش‌روند که گمان کنند خدا از کیفر آنان چشم پوشیده است! اما آیات یادشده، این پندار نادرست را رد کرده و می‌فرماید همزمانی غرق شدن آنان در نعمت و ارتکاب گناهان و از یاد بردن آموزش‌خواهی و بازگشت به سوی خدا فرجامی جز این ندارد که خدا از جایی که گمان نمی‌کنند، به زودی گریبان‌شان را

۱. طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۹۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ۳۴۲؛ کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۴۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۲۱۱؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۱۰۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲: ۸۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹: ۳۱۹ و ...

خواهد گرفت. در این باره، از امام صادق^۷ روایت شده که فرمودند: «هدف این آیات، گنهکاری است که پس از انجام گناه، خداوند به او نعمتی می‌دهد. ولی او نعمت را به نیکوکاری خود، ربط داده و آمرزش خواهی از گناه را فراموش می‌کند.» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۰۶) برخی مفسرین بر این باورند که «استدراج» به این معناست که جایگاه کسی را آرام آرام پایین بیاورند تا جایی که بدبختی اش به آخرین اندازه برسد و در منجلاب نابودی بیفتد. سپس نعمت پشت نعمت به او داده شود. هر نعمتی که به او داده می‌شود به همان اندازه، سرگرم دنیا و از رستگاری دور می‌شود و در سپاس آن نعمت، کوتاهی و کم کم خدا را فراموش می‌کند. پس استدراج، دادن نعمت دنبال نعمت است تا آرام آرام پایین آید و نابود شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۳۸۶) به همین دلیل، برخی واژه‌شناسان و مفسرین بر این باورند که «استدراج الهی» یعنی همزمان با گناهان بنده، خدا به او نعمت می‌دهد، ولی او آمرزش خواهی را از یاد می‌برد. سپس خدا او را آرام آرام به سوی نابودی کشانده و به سرپنجه کیفر خود در همین دنیا گرفتار می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۲۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۹۹؛ کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۴۹)

پیش‌تر در شناخت مترفین به این نکته اشاره شد که آنان از انواع و اقسام نعمت‌های دنیوی برخوردارند و طبعاً انس و علاقه زیادی به مصرف سبکسرانه این نعمت‌ها دارند و سرمست از این رفاه و برخورداری، فرودستان را تحقیر و طبقه متوسط را به پیروی از سبک زندگی خود تشویق می‌کنند. در تعریف سنت استدراج و حدیثی که از امام صادق^۷ هم روایت شد، دریافتیم که مترفین در کنار انس شدید به نعمت‌های دنیوی، سرگرم گناه و پرده دری شده و یاد خدا و بازگشت به مسیر درست بندگی را فراموش می‌کنند. از این رو، چهار نشانه مهم در سبک زندگی مترفین به چشم می‌خورد که در چارچوب این سنت الهی، ارزیابی می‌شود:

- ۱) انس شدید با نعمت‌های دنیوی
 - ۲) پافشاری در ارتکاب گناه و لذات حرام
 - ۳) فراموشی یاد خدا و عدم بازگشت به سوی خدا
 - ۴) سرمستی و خود بزرگ بینی در اثر نعمت‌های پی در پی
- پیشوایان معصوم^β در سفارش‌های خود به نزدیکان، به شدت از همنشینی با برخی گروه‌ها پرهیز داده‌اند که یکی از آن‌ها مترفین هستند که دلیل آن با توجه به نشانه‌های چهارگانه‌ای که برشمردیم، روشن است. مسعده^{بن} صدقه از امام صادق^۷ و او از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر خدا^α فرمود: چهار چیز دل را می‌میراند: گناه روی گناه و کثرت صحبت کردن با زنان و جدال با احمق که تو می‌گویی و او می‌گوید و هرگز به سوی خیر بر نمی‌گردد و همنشینی با مردگان. گفته شد: یا رسول الله! مردگان کیانند؟ فرمود: هر ثروتمند خوشگذران و کامجو. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۲۸)

به هر روی، در زندگی مترفین، نسبت و پیوند معناداری میان «افزایش گناهان» و «فراموشی یاد خدا و عدم توبه» از یک سو و «انس با نعمت های دنیوی» و «سرمستی و خودبزرگ بینی در اثر نعمت های پی در پی» از سوی دیگر وجود دارد. زیرا پافشاری در ارتکاب گناه در کنار افزایش نعمت های الهی، باعث فریب خوردن مترفین شده و آنان به غلط، گمان می کنند این بهره‌مندی، نشان‌دهنده خشنودی خداست. این اشتباه راهبردی باعث می شود که آنان دلیلی برای طلب آموزش از خداوند بابت ارتکاب گناهان خود نبینند و طبعاً این سبک زندگی نادرست را تغییر هم نمی دهند. بنابراین، وجه ناگوار سنت استدرج برای مترفین، سرگرم شدن به دنیا و زرق و برق آن است. این همان نکته ای است که ایشان از آن غافلند و باعث سقوط تدریجی و فرجامی تلخ در دنیا برای این گروه می شود.



نمودار ۱. نشانه های سبک زندگی مترفین

عوامل چهارگانه یادشده، ارکان تشکیل دهنده سبک زندگی مترفین به شمار می‌روند که در طول تاریخ نیز برای این گروه، ثابت و بدون تغییر بوده است. پس از شناخت کوتاه ارکان سبک زندگی

مترفین، زمان آن فرارسیده تا ارتباط میان سبک زندگی مترفین با دچار شدن ایشان به سنت استدراج به کمک عوامل اربعه زیر تبیین گردد.

ایستادگی در برابر آموزه های وحیانی

یکی از مهم ترین آیات قرآن کریم که ارتباط میان سبک زندگی مترفین با سقوط تدریجی آنان و سنت استدراج را بیان می کند، آیه ۱۶ سوره اسراست: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا: و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانانش را وامی داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند، و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم.»

بر اساس این آیه، سقوط و نابودی یک جامعه، زمانی فرامی رسد که خداوند به وسیله اولیای خود از جمله پیامبران و اوصیای ایشان، مترفین را به پیروی از ارزش های دینی فرمان می دهد، ولی آنان به دلیل خوگرفتن به نعمت های دنیا به فسق و فجور روی می آورند و راه سرکشی و خوشگذرانی در پیش می گیرند. نتیجه طبیعی این رفتار مترفین نیز آن است که جامعه دنباله رو مترفین که فریب زرق و برق دنیا را خورده و سرگرم خوشی های حرام شده است، توان دوام و بقا را از دست می دهد و به تدبیر الهی، نابود می شود. (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۷۰) گرچه نباید از یاد برد که سنت الهی، هرگز بر آن نیست که امت ها را بدون اتمام حجت، مجازات نماید. ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی از یک سو و افاضه نعمت هایی مانند عقل، اختیار، آزادی، فطرت پاک و ... از سوی خدا نشان دهنده آن است که خدا همه ابزارهای هدایت و اتمام حجت را در اختیار بندگان خود قرار می دهد، اما خوشگذرانان بی خبر از مبدأ و معاد، تنها به گناه و سرکشی می پردازند و بدین سان، مرگ جامعه خود را به واسطه سنت استدراج، پیش می اندازند. بازخوانی واکنش مترفین در طول تاریخ در برابر دعوت پیامبران، نشان دهنده آن است که آنان همواره در صدد رویارویی با آموزه های وحیانی بوده اند. به باور برخی مفسرین، سرچشمه بیشتر مفاسد اجتماعی، همین ثروتمندان از خدا بی خبری هستند که غرق در ناز و نعمت و عیش و هوس، هستند و هر ندای اصلاحی و انسانی و اخلاقی برای آنان، ناهنجار و آزاردهنده است. به همین دلیل، همیشه در صف اول در مقابل پیامبران ایستاده بودند و دعوت آن ها را که به نفع عدل و داد و حمایت از مستضعفان بوده، همیشه بر ضد خود می دیدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۶۰) نگاهی کوتاه به ارکان اربعه سبک زندگی مترفین، نشان می دهد که همه آن ها در تضاد کامل با آموزه های وحیانی و سیره پیامبران است. انس با دنیا در تضاد با پرهیز از دنیاطلبی، پافشاری از ارتکاب گناه در تضاد با تقوا و خویشترداری، سرمستی از رفاه و نعمت های پی در پی در تضاد با فرهنگ شکرگزاری و خشوع در بندگی و فراموشی یاد خدا نیز در تضاد با سفارش به توبه و بازگشتن به آغوش خدا و آرامش در پناه یاد خداست.

تفاخر، تکاثر و تحقیر فرودستان

یکی از ویژگی‌های بارز سبک زندگی مترفین که در دو آیه از قرآن کریم هم بدان اشاره شده، تفاخر و تکاثر به اموال و فرزندان است. (سبأ/۳۵؛ حدید/۲۰) یعنی نعمت‌های مهمی که خدا از آنان به «زینت» یاد کرده و باید در راه بندگی خدا و تحصیل «باقیات الصالحات» (کهف/۴۶) به کار گرفته شوند به ابزاری برای ترویج اشرافیت و لذت محوری و تحقیر فرودستان تبدیل می‌شوند. با عنایت به روش مترفین، مبنی بر کفر ورزیدن به همه آموزه‌های پیامبران (إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ - سبأ/۳۴) برخی از مفسرین بر این باورند که «اتراف» در این جا به معنای زیاده‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌ها و لذت بردن حیوانی از آن‌هاست و نتیجه طبیعی اصالت لذت در زندگی، نپذیرفتن حق است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶: ۳۸۳)

استناد مترفین به دو نعمت اموال و فرزندان در آیه بعد (قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا) نشان می‌دهد ثروتمندان خوشگذران، خود را تافته‌ای جداافتاده می‌دانند که نه تنها نعمت‌های الهی را وسیله آزمایش و سبب بندگی و ابزار دستگیری از نیازمندان نمی‌دانند، بلکه از این نعمت‌ها در راه تفاخر و تکاثر بهره می‌برند و چنان به داشتن این نعمت‌ها دل خوشند که حتی خود را از عذاب الهی نیز مصون می‌دانند. گزاره قرآنی «وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» در انتهای آیه بعد، گواه این مدعاست. این گروه برخوردار، فریب مهلت‌های الهی و نعمت‌های پی در پی را می‌خورند و گمان می‌کنند آنچه در اختیار دارند، جاودانه است و زوالی ندارد: يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَةٌ. (همزه/۳)

از نمونه‌های این طبقه ویژه که از راه‌های نامشروع و بهره‌کشی از فرودستان، ثروت‌های سرشار به دست آورده و از رفاه و آسایشی خیره‌کننده برخوردار بودند، قارون در عصر موسی^۷ است که در چند آیه از سوره‌های مبارکه قصص، عنکبوت و غافر، سخن از اوست: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مَوْسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ ...؛ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونَ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ. (قصص: ۷۶ و ۷۹) همان گونه که در این آیه بیان شده، ثروت وی آن چنان زیاد بود که نگهداری کلیدهای گنجینه‌های وی بر مردان تنومند نیز دشوار بود!

او نیز سرمست از این همه دارایی چشم‌نواز و به ظاهر بی‌زوال، ثروت خود را به رخ دیگران، به ویژه نیازمندان و تهیدستان می‌کشید. سبک زندگی اشرافی وی که در این آیه از آن یاد شده است، برای بسیاری از مردم، رشک برانگیز بود و آرزوی داشتن چنان وضعیتی را داشتند، به ویژه آنان که از ایمانی راسخ برخوردار نبودند و روزگار را به سختی می‌گذراندند. اما آن‌ها نمی‌دانستند که بهره‌مندی قارون از زرق و برق دنیا و زندگی مرفه، دچار شدن وی به سنت الهی «استدرج» است تا بر گناه و سرکشی خود بیفزاید و سرانجام با فرجامی پندآموز از دنیا برود: «آن‌گاه [قارون]

را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خود دفاع کند.» (قصص: ۸۱) با عنایت به آیه پیش گفته که فرجام تلخ قارون را در دنیا بیان می‌کند و بازخوانی آیاتی از قرآن کریم که سرنوشت سران مترفین از جبهه باطل مانند فرعون و هامان و سامری را به تصویر می‌کشد، می‌توان نتیجه گرفت که سنت الهی بر آن تعلق گرفته است که قارون به عنوان پیشوای اقتصادی گمراهان در زمین فرو رود، فرعون به عنوان پیشوای سیاسی آنان در نیل، غرق شود (یونس/۷۹) و سامری به عنوان پیشوای فتنه های فرهنگی، با بیماری لاعلاج روانی از دنیا رود.^۱ (طه/۹۷) این همان وعده الهی درباره ابتلا به سنت استدراج برای کسانی است که به جای سپاسگزاری از نعمت‌های خدا و به کار بردن آن‌ها در راه طاعت الهی و رسیدگی به نیازمندان، فریب این جاه و جلال را می‌خورند و تهیدستان و فرودستان جامعه را کوچک می‌شمارند. شاید به همین دلیل باشد که در آموزه‌های اخلاقی اولیای الهی، از انباشت ثروت، نهی شده است. زیرا به سرکشی، سرمستی و غرور کاذب انسان می‌انجامد. از ابن مسعود - صحابی رسول خدا - روایت شده که: «مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي يَا ابْنَ آدَمَ قَلِيلٌ يَكْفِيكَ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُطْعِمُكَ: هیچ روزی نیست که فرشته ای ندا نکند: ای فرزند آدم، اندکی که تو را بس باشد، بهتر است از زیادی که باعث سرکشی تو شود.» (ورآم، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۶۴)

با این وجود، نباید این نکته را از نظر دور داشت که نکوهش سبک زندگی مترفین در قرآن کریم، نباید بدین معنی تلقی گردد که «تولید ثروت» از نگاه اسلام، ناپسند و نامشروع است و مؤمنین باید با فقر و تنگدستی، روزگار بگذرانند. زیرا از رسول خدا روایت شده که فرمودند: «كاد الفقر ان يَكُون كَفْرًا». آری، اسلام از یک سو، طرفدار و مُشَوِّق تولید ثروت و رونق اقتصادی است و از سوی دیگر، فقر و تهیدستی را ناپسند می‌داند و در کنار همه این اصول مترقی، به شدت با «انباشت ثروت» در دستان طبقه ای خاص - مترفین - مخالف است و آنان را از فرجامی تلخ در همین دنیا بیم می‌دهد. (ابتلا به سنت استدراج) همچنان که در سطور پیشین درباره فرجام دنیوی قارون، بیان شد.

اقتناع و فریب توده ها

از آن جا که پیامبران، همگان را به ساده زیستی و پرهیز از اسراف و تبذیر سفارش می‌کردند و همواره در پی بازستانی حقوق پایمال شده فرودستان و نیازمندان بودند و با انباشت ثروت و قدرت در شکل‌های گوناگون آن مبارزه می‌کردند، مترفین در صف مقابل آن‌ها بودند و می‌کوشیدند با ترویج

۱. رک : تفسیر قرطبی، ج ۶ : ص ۴۲۸۱ ذیل آیه ۹۷ سوره طه

سبک زندگی اشرافی و مانور تجمل در جامعه، آموزه های وحیانی پیامبران را تحت الشعاع رفتارهای خود قرار دهند و شمار بیشتری از توده ها را با خود همراه سازند. مترفین که آموزه های ادیان ابراهیمی را مانعی بزرگ بر سر راه کامجویی و هوسرانی خود می بینند، همواره از سه ابزار «زر و زور و تزویر» یاری گرفته و از آن ها برای اقناع توده ها بهره می گیرند. از جمله ابزار فریب مردم توسط مترفین، می توان به جنگ رسانه ای به منظور گسترش منکرات در سطح جامعه، همراه کردن چهره های محبوب در عرصه های مختلف با خود و بهره برداری هوشمندانه از تبلیغات عوام فریبانه اشاره کرد. به باور یکی از اندیشمندان معاصر در جهان عرب، مترفین دارای چهار ویژگی مهم هستند:

۱) غافل شدن از یاد خدا

۲) ستم بر بندگان خدا

۳) نافرمانی در برابر دستور خدا

۴) جنگ با اولیای خدا

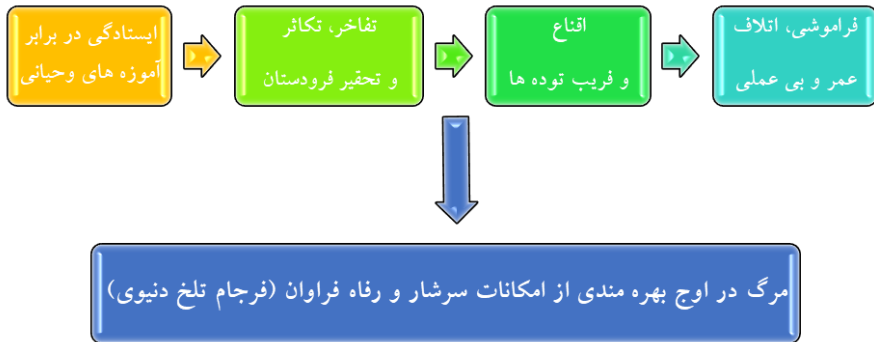
وی سخن مترفین را فزونی ثروت و فخرفروشی به فرودستان و اخلاق آنان را ستم و زورگویی برمی شمارد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۳۱) نتیجه جمع شدن این ویژگی های ناپسند در یک گروه نیز کاملاً مشخص است. از آن جا که این گروه سرزنش شده در آیات و روایات، در انجام گناه از دیگران تواناتر و به انجام آن مشتاق ترند، نسبت به دیگران، جرأت بیشتری بر نافرمانی از بایدها و نبایدهای الهی دارند و چون عده و عده و امکانات بیشتری دارند، بیشتر مردم از آنان پیروی و تقلید می کنند. (همان) شاید به همین دلیل باشد که برخی بر این باورند که وجود مترفین در هر شهر و دیاری برای سقوط آن جامعه از لحاظ دینی و معنوی، کافی است. زیرا به دلیل برخورداری از امکانات فراوان و ثروت های سرشار، به راحتی می توانند سبک زندگی خود را در جامعه گسترش دهند و دیگران نیز، راه آنان را دنبال می کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۲۶) از این رو برخی از اندیشمندان معاصر اعتقاد دارند، وجود مترفین در جامعه، کاملاً همانند وجود سرطان در بدن است. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۳۱) همان گونه که سرطان در بدن به سرعت رشد می کند و در مدت زمان کمی، آدمی را از پای درمی آورد، مترفین نیز این توان را دارند تا توده ها را به سمت و سویی سوق دهند که جز نارضایتی خداوند و عذاب الهی، فرجام دیگری در پی نداشته باشد.

در واقع، دنباله روی مردم از سبک زندگی مترفین (رفتارها، تصمیم ها و کنش ها) و همراهی با این شیوه ناپسند در ارتکاب گناه و شیوع فسق و فجور در جامعه، نتیجه ای جز گزاره قرآنی «فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» یعنی نابودی جامعه ندارد.

فراموشی، اتلاف عمر و بی عملی

با توجه به آیات بیان شده و نگاه مفسرین و واژه شناسان، درمی یابیم که در سنت الهی استدراج، میان فزونی گناهان از سوی بندگان نافرمان و فزونی بخشش نعمت از سوی خدا، نسبتی مستقیم وجود دارد که فهم آن برای توده ها و البته خود مترفین دشوار است. مردم از خود می پرسند چرا خدا همزمان با بیشتر شدن گناهان مترفین و ترویج سبک زندگی اشرافی که در تضاد آشکار با آموزه های وحیانی است، بر خورداری آنان را از دنیا افزایش می دهد؟ چرا آنان را با کيفری درس آموز، تنبیه نمی کند؟ چرا زمینه برای ارتکاب گناهان بیشتر برای مترفین فراهم می شود؟ پاسخ این پرسش ها در نسبت میان سنت استدراج و از دست رفتن استعداد هدایت، نهفته است. به باور برخی واژه شناسان، در سنت استدراج، شخص به تدریج و درجه درجه به سمت نابودی پیش می رود. بدین معنی که بدکار در کفر و سرکشی خود مشغول لذت و کامرانی، ولی بی خبر است که به تدریج، استعداد هدایت را از دست می دهد و عمرش کوتاه و کوتاه تر می شود تا بالاخره فرصت از دستش می رود. (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۳۶)

بنابراین، کیفیت کيفر الهی با آن چه ظاهر بینان می پندارند، متفاوت است. مجازات خدا همزمان با بخشش نعمت های بیشتر در حال انجام است و آن مجازات هم، محروم شدن گمراهان از هدایت پذیری، کوتاه شدن عمر، سلب توفیق در انجام نیکی ها و سرانجام، خواری در دنیا و آخرت است، همچنان که از امام حسین ۷ روایت شده که فرمود: «استدراج (غافل گیری تدریجی) این است که خدا بنده را نعمت فراوان بخشد و توفیق شکر از او ستاند. آن چنان سرگرم نعمت شود که هرگز به یاد ولی نعمت خود نیفتد و در این حال باشد تا فرصت از دست رود.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۴۶) برداشتی کوتاه از این سخن امام حسین ۷ آن است که خداوند، گناهکاران و سرکشان جسور و ثروتمندان و مرفهین بی درد را فوراً مجازات نمی کند. بلکه نخست، درهای انواع نعمت ها را به روی ایشان می گشاید. اگر این فزونی نعمت، باعث بیداری شان شود که در این حال، برنامه هدایت الهی، عملی شده. در غیر این صورت، بر غرور و بی خبری شان افزوده می شود و کيفرشان به هنگام رسیدن به آخرین مرحله، دردناک تر است. زیرا هنگامی که غرق در انواع ناز و نعمت ها هستند، خداوند همه آن مال و منال را از ایشان می گیرد و طومار زندگانی شان را درهم می پیچد و بدیهی است که این گونه مجازات، بسیار سخت تر از سایر کيفرهاست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۳ و ۳۴)



نمودار ۲. مؤلفه های تأثیرگذار سبک زندگی مترفین در دچار شدن به سنت الهی استدراج

همان گونه که از نمودار پیداست، سنت الهی استدراج، وابسته به باورها، رفتارها و کردار آدمی است و رسیدن به هر مرحله، وابسته به واکنش هایی است که مترفین در مراحل قبل از خود نشان داده اند. اگر آدمی دریابد که نعمت ها در حالی از سوی خدا به سوی او روانه شده که سرگرم گناه و پرده دری است، خود را از خشم الهی می رهند و رستگار می شود. ولی اگر دستخوش سنت «استدراج» باشد - که بیشتر نیز چنین است - به زودی از جایی که گمان نمی کند، بر اساس وعده تخلف ناپذیر الهی در آیه ۱۸۲ سوره اعراف، رشته نعمت ها بریده و ناکام می شود: «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند گریبان شان را خواهیم گرفت.»

پایان بخش سخن در این باره، حدیثی از امام علی علیه السلام است که فرمود: «ای مردم، باید خداوند شما را به هنگام نعمت در ترس ببیند به همان صورت که در بلا هراسان می نگرید. چراکه به هر کس نعمت وسیع بخشیده شود و آن را مقدمه کیفی تدریجی (استدراج) به حساب نیاورد، از برنامه ترسناکی خود را ایمن دانسته.» (انصاریان، ۱۳۸۸، ۳۶۸)

بنابراین، اگر قدر نعمت های پی در پی که به انسان می رسد با یاد خدا و شکرگزاری، دانسته نشود، پیامدی جز سرکشی و سبکسری نخواهد داشت و فرجام این حالت - اتراف - همان گونه که پیش تر از آن یاد شد، گرفتار شدن در سنت استدراج است. از امام علی علیه السلام روایت شده که در ضمن حدیثی طولانی درباره شگفتی های قلب آدمی فرمودند اگر نعمت برایش فراهم گردد، عزت و بزرگی او را می گیرد و اگر مالی فراوان به دست آورد، بی نیازی و اتراف، او را به طغیان می کشاند و فرجام این شیوه زندگی نیز تباهی است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱: ۱۰۹).

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط میان سبک زندگی مترفین با ابتلا به سنت الهی استدراج انجام شد. در موضوع «سبک زندگی» با طیف وسیعی از واژگان و اصطلاحات روبرو هستیم که هر یک بر اساس بینش خاص پژوهشگران، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌شود، در حالی که در علم روان‌شناسی بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند. اما سبک زندگی سعادت‌مند از دیدگاه قرآن، مجموعه‌ای در هم تنیده از رفتارها، اخلاق، عواطف، احساسات و نیت هاست که ریشه در اعتقادات و جهان بینی افراد دارد. پایه و هدف زندگی سعادت بخش از نظر قرآن، ایمان به خداوند است و در آموزه‌های قرآن، تمام ابعاد زندگی انسان را قبل از انعقاد جنین تا پایان زندگی در این دنیا و جهان پس از مرگ پوشش می‌دهد. این پژوهش به کمک جمع‌آوری اطلاعات و بررسی اسناد و مدارک موجود و تحلیل محتوایی به روش توصیفی - کیفی در پی بررسی «ارتباط سبک زندگی مترفین با سنت الهی استدراج» به این نتایج دست یافت:

۱. سبک زندگی، اصطلاحی فراگیر و جهان شمول و دربرگیرنده همه عادات و شیوه‌های پسندیده فردی، الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی و تفریح، شغل و هنر، شیوه مصرف و چگونگی رسیدن به اهداف است که بازگوکننده نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروه وابسته به آن نوع از سبک زندگی است.

۲. سنت‌های الهی، شیوه‌ای استوار و بدون تبدیل و جایگزینی در بازگویی بایدها و نبایدهای دین برای مردم و قوانین پایدار خدا در اداره امور عالم است که درباره همه امت‌های گذشته، حال و آینده به کار می‌رود. این سنت‌ها ابزاری کارآمد در هدایت و تربیت آدمی و دست‌یابی به فرجام نیک یا بد وی در دنیا و آخرت است.

۳. اقسام سنت‌های الهی عبارتند از: رایج در تاریخ، دنیوی و اخروی و ویژه رهیافتگان و گمراهان. سنت‌های دنیوی نیز خود به دو گونه تقسیم می‌شوند: پایدار و وابسته. سنت‌های دنیوی پایدار مانند «آزمایش و هدایت»، هر دو گروه رهیافته و گمراه را دربر می‌گیرد، حال آن که سنت‌های دنیوی وابسته مانند «مهال و استدراج»، به واکنش آدمی در برابر نعمت یا نعمت الهی بستگی دارند.

۴. ارکان اربعه سبک زندگی مترفین عبارتند از: انس شدید با نعمت‌های دنیوی، پافشاری در ارتکاب گناه و لذات حرام، سرمستی و خود بزرگ بینی در اثر نعمت‌های پی در پی، فراموشی یاد خدا و عدم بازگشت به سوی خدا. بررسی سبک زندگی مترفین، نشان می‌دهد که در زندگی

آنان، نسبت مستقیمی میان افزایش گناهان و فراموشی یاد خدا و عدم توبه از یک سو و انس با نعمت های دنیوی و سرمستی و خودبزرگ بینی در اثر این نعمت ها از سوی دیگر وجود دارد. ۵. سبک زندگی مترفین به واسطه بهره مندی از نعمت های گوناگون و عدم حضور در مسیر بندگی به گونه ای پیش می رود که بدون آن که خود بدانند به کمک چهار عامل «ایستادگی در برابر آموزه های وحیانی»، «تفاخر، تکاثر و تحقیر فرودستان»، «اقناع و فریب توده ها» و «فراموشی، اتلاف عمر و بی عملی» در چارچوب سنت الهی استدراج، گرفتار شده و فرجامی تلخ و دردناک را در همین دنیا تجربه می کنند.

از جمله محدودیت های پژوهش، می توان به مرزهای مشترک در تعریف دو سنت امهال و استدراج اشاره کرد که احتمال اشتباه پژوهشگر را در تبیین مسائل، افزایش می دهد. زیرا همان گونه که در تعریف سنت استدراج بیان شد، خدای متعال به افراد مرفه، نعمت های پیاپی می دهد ولی در مجازات دنیوی آنان شتاب نمی کند. همین امر، می تواند نوعی مهلت دادن به گنهکاران - از جمله مترفین - تلقی شود که در تعریف سنت امهال نیز مستتر است. گرچه رکن اصلی سنت امهال، «مهلت دادن» است و رکن اصلی سنت استدراج، «نعمت دادن». پیشنهاد می گردد پژوهش های آینده با محوریت «نقش همه گیری سبک زندگی مترفین در سقوط جامعه» از زاویه ای دیگر، تبعات ناگوار این همه گیری را به عنوان یکی از چالش های بنیادین پیش روی جامعه اسلامی، بررسی نماید.

منابع

قرآن کریم

این بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، **الخصال**، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.

این بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، **علل الشرائع**، قم، کتاب فروشی داوری.

این شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ق، **تحف العقول**، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.

این فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، محقق/مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، محقق/مصحح: میردامادی، جمال الدین، بیروت، دارصار.

ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ق، **الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی**، محقق: ابن عاشور، ابی محمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶ش، **تفسیر کوثر**، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.

حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان در تفسیر قرآن**، محقق: بهبودی، محمدباقر، تهران، لطفی.

حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۰ش، **الحیاء**، آرام، احمد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، **تفسیر نورالثقلین**، مصحح: رسولی، هاشم، قم، اسماعیلیان.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات الفاظ القرآن**، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالشامیه.

شریف الرضی، محمدبن حسین، ۳۸۸ش، **نهج البلاغه**، انصاریان، حسین، قم، دارالعرفان.
طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله ورسولی، هاشم، تهرآن، ناصر خسرو.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن** (تفسیر الطبری)، بیروت، دارالمعرفه.
طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، محقق/مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی.
عمید، حسن، ۱۳۷۵ش، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر.

فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۸ق، **ترجمه قرآن**، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران، ناصر خسرو.

قطب، سید، ۱۴۲۵ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دارالشروق.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله، ۱۳۵۱ش، **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

محقق، محمدباقر، ۱۳۹۱ش، **دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن**، تهران، بعثت.

مطهری، مرتضی، بی تا، **انسان کامل**، بی جا، بی نا.

مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، **التفسیر الکاشف**، قم، دارالکتب الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ق، **تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام**، قم، مکتبه فقیه.

مقالات و پایان نامه ها

ایروانی، جواد و جلائیان اکبرنیا، علی، ۱۳۹۲، **سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و جامعه غربی**، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۹۷)، ۴۱-۶۸.

شعاع کاظمی، مهرانگیز و کردلو، مریم، ۱۴۰۰، **سبک زندگی مبتنی بر زیست شبانه**، دوفصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی، سال هفتم، شماره ۱۲، صفحات ۹۹-۱۱۶.

نجفی، محمدجواد و حسینی، اعظم، ۱۳۹۵، **تأثیر شناخت سنت های الهی بر سبک زندگی اسلامی**، دانشگاه قم.

نویسنده، منیژه، ۱۳۹۳، بررسی رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی (تحقیقی در شهر تهران)، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۴۱، صفحات ۱۲۰-۱۳۴.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: ملکی یداله، پور عبدلی سیدمحمد علی، خاتمی نژاد سیدمحمد، رابطه سبک زندگی مترفین با ابتلا به سنت الهی استدراج از دیدگاه قرآن و حدیث، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۴۸۰-۴۵۹.